

ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام

<?xml encoding="UTF-8?>



مقدمه

حضرت علی (علیه السلام)، بنا بر امر الهی و سنت حسنه اسلامی، بر آن می شود که در بحران جوانی به کشتی زندگانی خود سکونت و آرامش بخشد. اما شخصیتی چون حضرت علی (علیه السلام) هرگز در همسرگزینی به یک آرامش نسبی و موقت اکتفا نمی کند و آفاق دیگر زندگانی را از نظر دور نمی دارد. از این رو خواستار همسری می شود که از نظر ایمان و تقوی و دانش و بینش ونجابت و اصالت، «کفو» و همشان او باشد. چنین همسری جز دختر رسول خدا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که به همه خصوصیات او از هنگام تولد تا آن زمان کاملاً آشنایی داشت، کسی دیگر نبود.

خواستگاران حضرت زهرا (علیها السلام)

پیش از حضرت علی (علیه السلام) افرادی مانند ابوبکر و عمر آمادگی خود را برای ازدواج با دختر پیامبر صلی الله

علیه و آله و سلم اعلام کرده بودند و هر دو از پیامبر یک پاسخ شنیده بودند و آن اینکه در باره ازدواج زهرا منتظر وحی الهی است.

آن دو که از ازدواج با حضرت زهرا نومید شده بودند با سعد معاذ رئیس قبیله اوس به گفتگو پرداختند و آگاهانه دریافتند که جز حضرت علی (علیه السلام) کسی شایستگی ازدواج با حضرت زهرا (علیها السلام) را ندارد و نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به غیر او نیست. از این رو دسته جمعی در پی حضرت علی (علیه السلام) رفتند و سرانجام او را در باغ یکی از انصار یافتند که با شتر خود مشغول آبیاری نخلها بود. آنان روی به علی کردند و گفتند: اشراف قریش از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری کرده اند و پیامبر در پاسخ آنان گفته است که کار زهرا منوط به اذن خداست و ما امیدواریم که اگر تو (با سوابق درخشان و فضایی که داری) از فاطمه خواستگاری کنی پاسخ موافق بشنوی و اگر دارایی تو اندک باشد ما حاضریم تو را یاری کنیم.

با شنیدن این سخنان دیدگان حضرت علی (علیه السلام) را اشک شوق فرا گرفت و گفت: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد میل و علاقه من است. این را گفت و دست از کار کشید و راه خانه پیامبر را، که در آن وقت نزد ام سلمه بسر می برد، در پیش گرفت. هنگامی که در خانه رسول اکرم را کوید پیامبر فوراً به ام سلمه فرمود: برخیز و در را باز کن که این کسی است که خدا و رسولش او را دوست می دارند.

ام سلمه می گوید: شوق شناسایی این شخص که پیامبر او را ستود آنچنان بر من مستولی شد که وقتی برخاستم در را باز کنم نزدیک بود پایم بلغزد. من در را باز کردم و حضرت علی (علیه السلام) وارد شد و در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشست، اما حیا و عظمت محضر پیامبر مانع از آن بود که سخن بگوید، لذا سر به زیر افکنده بود و سکوت بر مجلس حکومت می کرد. تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سکوت مجلس را شکست و گفت: گویا برای کاری آمده ای؟ حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ گفت: پیوند خویشاوندی من با خاندان رسالت و ثبات و پایداریم در راه دین و جهاد و کوشش در پیشبرد اسلام بر شما روشن است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تو از آنچه که می گویی بالاتر هستی. حضرت علی (علیه السلام) گفت: آیا صلاح می دانید که فاطمه را در عقد من در آورید؟ (1)

حضرت علی (علیه السلام) در طرح پیشنهاد خود بر تقوا و سوابق درخشان خود در اسلام تکیه می کند و از این طریق به همگان تعلیم می دهد که ملاک برتری این است نه زیبایی و ثروت و منصب.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از اصل آزادی زن در انتخاب همسر استفاده کرد و در پاسخ حضرت علی (علیه السلام) فرمود: پیش از شما افراد دیگری از دخترم خواستگاری کرده اند و من درخواست آنان را با دخترم در میان نهاده ام ولی در چهره او نسبت به آن افراد بی میلی شدیدی احساس کرده ام. اکنون درخواست شما را با او در میان می گذارم، سپس نتیجه را به شما اطلاع می دهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه زهرا (علیها السلام) شد و او برخاست و ردا از دوش آن حضرت برداشت و کفشهایش را از پایش در آورد و پاهای مبارکش را شست و سپس وضو ساخت و در محضرش نشست. پیامبر سخن خود را با دختر گرامیش چنین آغاز کرد:

علی فرزند ابوطالب از کسانی است که فضیلت و مقام او در اسلام بر ما روشن است و من از خدا خواسته بودم که تو را به عقد بهترین مخلوق خود در آورم و اکنون او به خواستگاری تو آمده است؛ در این باره چه می گویی؟ در این هنگام زهرا (علیها السلام) در سکوت عمیقی فرو رفت ولی چهره خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برنگرداند و کوچکترین ناراحتی در سیمای او ظاهر نشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاست

و فرمود: «اللّٰه اكبر سكوتها اقرارها» یعنی: خدا بزرگ است؛ سکوت دخترم نشانه رضای اوست. (2)

همشانی روحی و فکری و اخلاقی

درست است که در آیین اسلام هر مرد مسلمان کفو و همشان مسلمان دیگری است و هر زن مسلمان که در عقد مرد مسلمانی در آید با همشان خود پیمان زناشویی بسته است، ولی اگر جنبه های روحی و فکری را در نظر بگیریم بسیاری از زنان همشان برخی مردان نیستند و بالعکس. مردان مسلمان شریف و اصیل که از ملکات عالی انسانی و سجایای اخلاقی و دانش و بینش وسیع برخوردارند باید با زنانی پیمان زناشویی ببندند که از نظر روحیات و سجایای اخلاقی همشان و مشابه آنان باشند. این امر در باره زنان پاکدامن و پرهیزگار که از فضایل اخلاقی و اندیشه و بینش بلند برخوردارند نیز حکم فرماست. هدف عمده ازدواج، که برقراری سکونت و آرامش خاطر در طول زندگی است، جز با رعایت این نکته تامین نمی شود و تا یک نوع مشابهت اخلاقی و محاکات روحی و جذبه روانی بر محیط زندگی سایه نگستراند پیوند زناشویی فاقد استواری لازم خواهد بود.

با توجه به این بیان، حقیقت خطاب الهی به پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم روشن می شود که فرمود:

«لو لم اخلق علیا لما کان لفاطمة ابنتک کفو علی وجه الارض» (3)

اگر علی را نمی آفریدم، برای دختر تو فاطمه هرگز در روی زمین همشانی نبود.

به طور مسلم مقصود از این کفویت همشانی مقامی و روحی است.

هزینه عقد و عروسی

تمام دارایی حضرت علی (علیه السلام) در آن زمان منحصر به شمشیر و زرهی بود که می توانست به وسیله آنها در راه خدا جهاد کند و شتری نیز داشت که با آن در باغستانهای مدینه کار می کرد و خود را از میهمانی انصار بی نیاز می ساخت.

پس از انجام خواستگاری و مراسم عقد وقت آن رسید که حضرت علی (علیه السلام) برای همسر گرامی خود اثاثی تهیه کند و زندگی مشترک خود را با دختر پیامبر آغاز کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفت که حضرت علی (علیه السلام) زره خود را بفروشد و به عنوان جزئی از مهریه فاطمه (علیها السلام) در اختیار پیامبر بگذارد. زره به چهارصد درهم به فروش رفت. پیامبر قدری از آن را در اختیار بلال گذاشت تا برای زهرا عطر بخرد و باقیمانده را به عمار یاسر و گروهی از یاران خود داد تا برای فاطمه و علی لوازم منزل تهیه کنند. از صورت جهیزیه حضرت زهرا (علیها السلام) می توان به وضع زندگی بانوی بزرگوار اسلام به خوبی پی برد. فرستادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بازار باز گشتند و آنچه برای حضرت زهرا (علیها السلام) تهیه کرده بودند به قرار زیر بود:

1 - پیراهنی به بهای هفت درهم؛

2 - یک روسری به بهای یک درهم؛

3 - قطیفه مشکی که تمام بدن را نمی پوشانید؛

4 - یک تخت عربی از چوب ولیف خرما؛

5 - دو تشک از کتان مصری که یکی پشمی و دیگری از لیف خرما بود؛

6 - چهار بالش، دو تا از پشم و دو تای دیگر از لیف خرما؛

7 - پرده؛

8 - حصیر هجری؛

9 - دست آس؛

10 - طشت بزرگ؛

11 - مشکی از پوست؛

12 - کاسه چوبی برای شیر؛

13 - ظرفی از پوست برای آب؛

14 - آفتابه؛

15 - ظرف بزرگ مسی؛

16 - چند کوزه؛

17 - بازوبندی از نقره.

یاران پیامبر وسایل خریداری شده را بر آن حضرت عرضه کردند و پیامبر، در حالی که اثاث خانه دختر خود را زیر و رو می کرد، فرمود: «اللهم بارک لقوم جل آئیتهم الخزف». یعنی: خداوندا، زندگی را بر گروهی که بیشتر ظروف آنها را سفال تشکیل می دهد مبارک گردان. (4)

مهریه حضرت زهرا (علیها السلام)

مهریه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پانصد درهم بود که هر درهم معادل یک مثقال نقره بود. (هر مثقال 18 نخود است).

مراسم عروسی دختر گرانمایه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کمال سادگی و بی آلایشی برگزار شد. یک ماه از عقد پیمان زناشویی می گذشت که زنان رسول خدا به حضرت علی گفتند: چرا همسرت را به خانه خویش نمیبری؟ حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ آنان آمادگی خود را اعلام کرد. ام ایمن شرفیاب محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شد و گفت: اگر خدیجه زنده بود دیدگان او از مراسم عروسی دخترش فاطمه روشن می شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی نام خدیجه را شنید چشمان مبارکش از اشک پر شد و گفت: او مرا هنگامی که همه تکذیب کردند تصدیق کرد و در پیشبرد دین خدا یاریم داد و با اموال خود به گسترش اسلام مدد رساند. (5)

ام ایمن افزود: دیدگان همه را با اعزام فاطمه به خانه شوهر روشن کنید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که یکی از حجره ها را برای زفاف زهرا آماده سازند و او را برای این شب آرایش کنند. (6)

زمان اعزام عروس به خانه داماد که فرا رسید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا را به حضور طلبید. زهرا (علیها السلام)، درحالی که عرق شرم از چهره اش می ریخت، به حضور پیامبر رسید و از کثرت شرم پای او لغزید و نزدیک بود به زمین بیفتد. در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق او دعا کرد و فرمود:

«اقالک الله العثرة فی الدنيا و الآخرة».

خدا تو را از لغزش در دو جهان حفظ کند.

سپس چهره زهرا را باز کرد و دست او را در دست علی نهاد و به او تبریک گفت و فرمود:

«بارک لک فی ابنة رسول الله یا علی نعمت الزوجة فاطمة».

سپس رو کرد به فاطمه و گفت:

«نعم البعل علی».

آنگاه به هر دو دستور داد که راه خانه خود را در پیش گیرند و به شخصیت برجسته ای مانند سلمان دستور داد که مهار شتر زهرا (علیها السلام) را بگیرد و از این طریق جلالت مقام دختر گرامیش را اعلام داشت.

هنگامی که داماد و عروس به حجله رفتند، هر دو از کثرت شرم به زمین می نگرستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد اطاق شد و ظرف آبی به دست گرفت و به عنوان تبرک بر سر و بر اطراف بدن دخترش پاشید و سپس در حق هر دو چنین دعا فرمود:

«اللهم هذه ابنتی و احب الخلق الی اللهم و هذا اخی و احب الخلق الی اللهم اجعله ولیا و...». (7)

پروردگارا، این دختر من و محبوبترین مردم نزد من است. پروردگارا، علی نیز گرامی ترین مردم نزد من است. خداوندا، رشته محبت آن دو را استوارتر فرما و....

پی نوشت ها :

- 1 - حضرت علی (علیه السلام) در امر خواستگاری از یک سنت اصیل پیروی می کند. در حالی که هاله ای از حیا او را فرا گرفته است. شخصا وبی هیچ واسطه ای اقدام به خواستگاری می کند؛ واین نوع شجاعت روحی توام با عفاف، شایان تقدیر است.
- 2 - کشف الغمة، ج 1، ص 50.
- 3 - بحار الانوار، ج 43، ص 9.
- 4 - بحار الانوار، ج 43، ص 94؛ کشف الغمة، ج 1، ص 359. بنابه نوشته کتاب اخیر، همه اثاث منزل حضرت زهرا (علیها السلام) به 63 درهم خریداری شد.
- 5 - بحار، ج 43، ص 130.
- 6 - همان، ص 59.
- 7 - بحار، ج 43، ص 96.